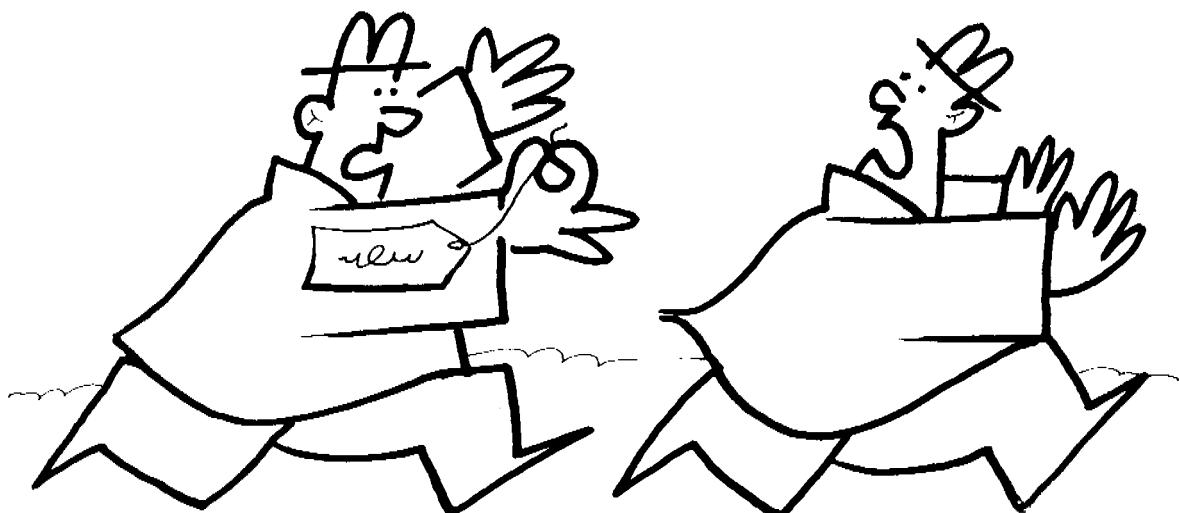


اشاره:

مباحث اقتصادی با توجه به اهمیتی که در زندگی انسان دارد، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ند. دو دیدگاه سرمایه‌داری و سوسيالیسم در سال‌های گذشته همواره متنظر بوده و مباحث اقتصادی در قالب این دو دیدگاه طرح و بررسی می‌شده‌اند. اما برای جامعه ما طرح مباحث اقتصادی از دیدگاه اسلام اهمیت بسزایی دارد. زیرا که ملت ما برای برقراری حاکمیت قرآن و اصول دین میین اسلام در تمام شفون زندگی‌اش جانشانی‌ها کرده و خون‌ها داده است. اما متأسفانه در سال‌های اخیر آنچه در مباحث زندگی مادی و اقتصادی مردم مورد توجه می‌باشد، کمتر به دیدگاه اسلام نزدیک شده است. این گزارش که برگرفته از بخشی از کتاب قیمت و قیمت‌گذاری است، دیدگاه اسلام درباره این مقوله مهم را طرح می‌کند.

قیمت و قیمت‌گذاری در نظام اقتصادی اسلامی



هدف اسلام، رهانیدن انسان از صفات ناشایست است، اما اهداف اسلامی بدون اقتصاد اسلام قابل تأمین نمی‌باشد.

از آنجا که یکی از بخش‌های مهم برای تکامل انسان و جامعه اسلامی، حیات اقتصادی جامعه است، اسلام، اقتصاد را رکنی از آرمان حیات اجتماعی می‌داند و لازمه تحقق این امر نیز دستیابی به سلامت اقتصادی جامعه می‌باشد. از آنجا که در اسلام، اقتصاد هدف نیست، لذا بایستی در چارچوب اهداف

بحث قیمت‌ها در چارچوب نظام اقتصادی اسلام

دیدگاه اسلام نسبت به مسائل و مباحث اقتصادی با دیدگاه‌های سرمایه‌داری و سوسيالیستی کاملاً مقاوم است. زیرا که از نظر اسلام، اقتصاد و دستیابی به موهب زندگی نیز مانند دیگر مباحث در راستای سعادت و تکامل انسان اهمیت پیدا می‌کند و خود هدف نمی‌باشد، بلکه وسیله است.

ارزش ناشی از چیست و ثانیاً عوامل مؤثر یا تشکیل‌دهنده قیمت توسط چه مکانیسمی و چگونه به قیمت تبدیل می‌شود. منشأ ارزش مبادله‌ای در اسلام مفید و قابل استفاده بودن کالا، موردنیاز بودن آن در جامعه اسلامی، نادر و کمیاب بودن جنس و قابلیت انحصار می‌باشد. بنابراین ارزش هر کالایی ناشی از اثری است که به آن مترتب می‌باشد و نیز ندرت و تحت انحصار بودن آن کالا.

از دیدگاه اسلام، کار علت و ایجادکننده ارزش است و البته برابر با آن نمی‌باشد. به عبارت دیگر ارزش هر کالا ناشی از اثری است که به آن مترتب می‌شود و نه از علتی که آن را ایجاد کرده است. خواه این علت کار باشد یا چیز دیگر. از آنجاکه ندرت و انحصار در تعیین ارزش اثر دارد، در این میان کار هم یکی از عوامل ارزش تلقی می‌گردد.

از آنجاکه انسان به چیزهایی که نافع و مفید باشند، ارج می‌نهد، لذا نفع حاصل از تولید اهمیت دارد.

از آنجاکه ارزش پیدا کردن یک کالا برای انسان تابع مفید بودن آن در رفع حوایج بشر است (حوایج مادی یا معنوی)، یکی از عوامل مهم در تعیین ارزش کالاهای نافع بودن آنهاست. مسأله دیگر در تعیین ارزش، وافر و رایگان بودن آن می‌باشد. برای مثال برای هوا و نور خورشید نمی‌توان ارزش تعیین کرد. مسأله دیگر در تعیین ارزش «قابل اختصاص بودن کالا» می‌باشد. یعنی اگر از اختیار افراد خارج باشد، ولو آنکه بیش از مقدار لازم باشد، باز هم جنبه ارزش ندارد.

آنچه در اصل مالکیت بیان شد، نشان می‌دهد که در اصل مالکیت، کار دخالت ندارد، البته چیزهای زیادی در جامعه وجود دارند که تا کار روی آنها انجام نشود، قابل استفاده نمی‌باشند. اما بسیار چیزها نیز هستند که بدون آنکه کاری روی آنها انجام شود، قابل استفاده می‌باشند و مالکیت پیدا می‌کنند. بنابراین کار می‌تواند منشأ مالکیت باشد. آیت الله

○ در جامعه اسلامی باید کالاهایی تولید شوند که در درجه نخست موردنیاز و تقاضای عموم مسلمانان باشد تا زمانی که این نیازها تأمین نشود، منابع اقتصادی نمی‌توانند به تولید کالاهایی که گروههای خاص برایشان تقاضا دارند، اختصاص یابد و صرف شود.

اسلام، شکل بکیرد و بنابراین چارچوب اقتصاد اسلامی تفاوت بسیاری با اقتصادهای سرمایه‌داری دارد.

○ هدف اسلام، رهانیدن انسان از صفات ناشایست است، اما اهداف اسلامی بدون اقتصاد سالم قابل تأمین نمی‌باشد.

از نظر اقتصاد اسلامی، در درجه نخست باید کالاهایی در جامعه تولید و عرضه شوند که جامعه اسلامی به آنها نیاز دارد و تا زمانی که نیازهای جامعه تأمین نشده است، این اجازه را نمی‌دهد که منابع جامعه در تولید کالاهایی که برای برخی گروه‌ها مورد تقاضا باشد، صرف گردد. البته توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که تولید برخی کالاهای عرضه آنها به جامعه در اسلام حرام است و لذا اقتصاد اسلامی به هیچ وجه اجازه صرف منابع جامعه در راه تولید این قبیل کالاهای را نمی‌دهد.

در اسلام تولید به منظور کسب سود بیشتر نمی‌باشد، بلکه به کارگیری منابع، کسب درآمد مشروع و تأمین نیازهای جامعه اسلامی منظور می‌باشد. در نظام اسلامی تعیین قیمت نیز، انگیزه‌ای برای تولید نمی‌باشد، زیرا قیمت‌ها به گونه‌ای تنظیم نمی‌شوند که سود بیشتر در برخی بخش‌های تولیدی را نشان دهند.

از سوی دیگر دولت اسلامی باید برای تمام افراد جامعه امکانات فعالیت را به وجود آورد و از آنجاکه حبس و انحصار منابع و در نتیجه بیکار ماندن منابع اقتصادی مذموم می‌باشد، لذا مجموعه امکانات باید به کار گرفته شود تا فعالیت رونق بگیرد و درآمد مشروع مردم، افزایش یابد.

از آنجاکه رکود منابع به هر شکل از دیدگاه اسلام مردود می‌باشد، لذا بدون به کارگیری منابع از جمله کار و سرمایه تولیدی صورت نمی‌گیرد و هر درآمدی که حاصل شود، مشروع نخواهد بود. بنابراین «قیمت» در این میان به تولیدکننده نشان می‌دهد که چگونه باید نحوه فعالیت خود را برنامه‌ریزی کند تا بتواند ماحصل تلاش خود را در بازار بفروشد و به درآمد مشروع دست پیدا کند.

در اقتصاد اسلامی، قیمت به ارزش مبادله‌ای که به صورت پول بیان شود اطلاق می‌گردد و اختلاف قیمت نیز در تعیین ارزش مبادله‌ای کالا مشخص می‌شود.

در تعیین قیمت‌ها در نظام اسلامی دو مسئله مهم است. ابتدا

اسلامی درباره تقاضای کالاها توجه دارد و چه بسا کالاهایی باشند که فرد مسلمان تقاضایی برای آنها نداشت، باشد.

از سوی دیگر در جامعه اسلامی میزان عرضه کالا نشان‌دهنده میزان کالای در دسترس از نظر کمیابی و فراوانی است و این کمیابی به هیچ‌وجه ساختگی و یا حاصل نوسانات سود (انحصار یا احتکار) نمی‌باشد. سود عامل فعالیت تولیدکننده مسلمان می‌باشد، اما مبنای و هدف او به حدکثر رساندن سود نمی‌باشد.

در این شرایط میزان تقاضایی به دست آمده از مصرف‌کننگان مسلمان و میزان عرضه حاصل از فعالیت تولیدکننگان مسلمان، تعیین‌کننده «قیمت» می‌باشد. در این شرایط هر چه کالا فراوان‌تر باشد، لذا قیمت آن کمتر می‌شود و هر چه تقاضای کالا کمتر باشد به این معناست که قیمت آن باید کمتر باشد چون مطلوبیت و فایده‌اش کمتر است. بنابراین ارتباط بین قیمت و میزان عرضه و تقاضا، یک ارتباط کاملاً دوطرفه نیست.

در نظام اقتصاد اسلامی یک منحنی عرضه و تقاضا وجود دارد و لذا بازارهای گوناگون که عرضه و تقاضا در آنها متفاوت باشد، وجود ندارد. اگر یک تولیدکننده وجود داشته باشد، تفاوتی نمی‌کند. به عبارت دیگر وجود شرایط انحصاری اگرچه تحت شرایطی ممکن است وجود داشته باشد، لیکن مبنای هیچ شرایطی برای کنترل مصنوعی عرضه برای ایجاد نوسان در ارزش کالا نمی‌باشد. در نتیجه فقط یک قیمت واقعی وجود دارد و تعیین قیمت نیز در شرایط مختلف از نظر اصولی، یکسان است. در بسیاری از متنون اسلامی از قیمت به عنوان قیمت عادله یا قیمت طبیعی یا عادی نام برده می‌شود.

○ ارتباط بین فایده و ارزش در پرتو معیار روانشناسی کاملاً روشن می‌باشد، زیرا فایده پایه مطلوبیت است و مطلوبیت نیز معیار ارزش و سرچشمه عمومی آن می‌باشد. فایده پایه مطلوبیت می‌باشد، ولی مطلوبیت به تنها یی به فایده بستگی ندارد.

قیمت طبیعی کالا، تابع شرایط عادی از قبیل کثالت و

محمدباقر صدر منشأ ارزش را مطلوبیت می‌داند و در کتاب «اقتصاد ما» می‌نویسد: ارتباط بین فایده و ارزش در پرتو معیار روانشناسی کاملاً روشن می‌باشد، زیرا فایده، پایه مطلوبیت می‌باشد و مطلوبیت نیز معیار ارزش و سرچشمه عمومی آن است. در عین حال که فایده پایه مطلوبیت است، ولی مطلوبیت به تنها یی به فایده بستگی ندارد.

○ تولید در اسلام برای کسب سود بیشتر نیست، بلکه به کارگیری منابع برای کسب درآمد مشروع و تأمین نیازهای جامعه اسلامی منظور می‌باشد. لذا قیمت، انگیزه‌ای برای تولید نمی‌باشد.

فایده استعمالی اگرچه پایه اصلی مطلوبیت می‌باشد، ولی به تنها یی نسبت مطلوبیت شیء را بیان نمی‌کند، زیرا نسبت مطلوبیت در هر کالایی مستقیماً با اهمیت فایده‌ای که کالا می‌رساند، متناسب می‌باشد. از این‌رو هر چه کالا بیشتر منشأ فایده قرار گیرد، نسبت مطلوبیت آن بیشتر می‌شود. همچنین نسبت مطلوبیت به طور معکوس باحدود امکان دستیابی به کالا متناسب می‌باشد. بنابراین هر چه امکان دستیابی به کالا بیشتر شود، نسبت مطلوبیت آن کاهش می‌یابد و مآل ارزش کالا تنزل می‌یابد. دستیابی به کالا نیز تابع کمیابی و فراوانی آنهاست. برای کالایی مثل هوا که در همه جا در دسترس می‌باشد، به دلیل عدم مطلوبیت، ارزش مبادله به صفر می‌رسد. در مقابل، هر اندازه امکان دستیابی به کالا کاهش یابد، میزان مطلوبیت آن بیشتر می‌شود و بالمال ارزش آن افزایش پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، مسئله اساسی‌تر وجود تفاوت در برداشت‌های اسلامی از عواملی است که منشأ ارزش تلقی می‌شوند. ملاک‌های اخلاقی در اسلام در چگونگی این عوامل تأثیر دارند. حال که عوامل تشکیل‌دهنده ارزش مبادله‌ای روشن شد، باید مکانیسمی طراحی شود تا این عوامل در فرآیند اقتصادی به قیمت تبدیل شود. یعنی عواملی که در تعیین قیمت تمام شده و در نتیجه ارزش مبادله‌ای تأثیر دارند.

از آنجا که تقاضای کالا میزان فایده و مطلوبیت حاصل از استفاده آن را نشان می‌دهد، عامل مهمی در تعیین ارزش مبادله‌ای است. اما تقاضای یک فرد مسلمان با غیرمسلمان در مورد کالاهای با هم متفاوت است. یک فرد مسلمان به ملاک‌های

این روایات نشان می‌دهد که در شرایط طبیعی، قیمت‌ها دارای نوسان می‌باشند و لذا هر افزایش قیمتی موجبات دخالت دولت را فراهم نمی‌کند. در شرایط طبیعی عرضه کالاها قابل افزایش یا کاهش می‌باشد و تقاضای مردم نیز در حال تغییر است. از سوی دیگر هزینه‌های تولید نیز لزوماً ثابت نمی‌باشد.

شرایط غیرطبیعی نیز شرایطی است که کلیه وقایع فوق (عرضه کالاها) به‌طور مصنوعی و توسط عوامل غیرطبیعی و نیروهای مخصوص به وجود آید که در نتیجه قیمت‌ها روند افزایشی (نه فقط نوسان) دارد و عرضه کالاها به‌طور مصنوعی و با انگیزه سودجویی، کاهش می‌یابد یا تحت کنترل نیروی خاصی قرار می‌گیرد و یا تقاضای ساختگی، غیرضرور و انحصاری باشد.

در شرایط غیرطبیعی که قیمت‌ها سیر صعودی پیدا کند و نیروهای غیرطبیعی وارد بازار شوند تا برآیند تعیین قیمت‌ها را به نفع خود تحت کنترل درآورند، وظيفة دولت اسلامی ایجاب می‌کند که از انحرافات جلوگیری کنند و در شرایط خاص به قیمت‌گذاری بپردازد.

در شرایط انحصار و احتكار با دخالت دولت در عوامل تعیین‌کننده، نرخ طبیعی به بازار ارایه می‌شود. البته در این شرایط حاکم اسلامی ابتدا گرانفروشان و محترکان را موضعه می‌کند تا از فعالیت سودجویانه خود دست بردارند. اگر آنها تعییت کردند، قیمت‌ها به حالت طبیعی برگشت، دخالت دولت ضرورت ندارد. اما اگر محترکان و گرانفروشان به اجحاف خود ادامه دهند، قیمت‌گذاری کالا در آخرین مرحله از سوی دولت اسلامی صورت خواهد گرفت. این دخالت نیز باید با مشورت و بررسی صورت گیرد و نرخ‌گذاری انجام شود.

بنابراین نوسان طبیعی قیمت‌ها، در نظام اقتصادی اسلام پذیرفته شده است. اما نوسانات غیرطبیعی در اثر فعالیت افراد خاص برای انحصار و احتكار و در نتیجه اجحاف به مردم پذیرفته نمی‌شود و دولت مسؤول قیمت‌گذاری کالا با انجام مشورت‌ها و بررسی‌های لازم می‌باشد.

فراوانی کالا، افزونی تقاضای مردم و کاهش آن، هزینه‌های تولید، توزیع و حمل و نقل و نگهداری می‌باشد. به عبارت دیگر نرخ متعارف از تلاقي عرضه و تقاضا در ظرف زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی به دست می‌آید که زمام جملکی به معیشت خدای متعادل و اراده او در نظام هستی منتهی می‌شود.

البته در قیمت‌های تعیین شده طبیعی همواره مقداری سود منظور می‌شود. در بحث دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالا، احادیث بسیاری وجود دارد که بررسی آنها نشان می‌دهد که در شرایط عادی و طبیعی، تعیین قیمت به‌عهده بازار می‌باشد و فقط در صورت بروز شرایط غیرعادی مانند انحصار و احتكار، حاکم اسلامی حق مداخله و قیمت‌گذاری کالاها را دارد. بنابراین نوسان قیمت‌ها تحت تأثیر شرایط طبیعی (میزان برداشت غله با توجه به نوع آب و هوای)، کاملاً طبیعی است و نیاز به مداخله حاکم اسلامی ندارد.

بررسی کتب حدیث و تاریخ اسلام نشان می‌دهد که در صدر اسلام نیز قیمت‌گذاری در نظام اقتصادی مطرح بوده است که همان مفهوم مداخله مستقیم دولت در تعیین قیمت را می‌دهد. به عبارت دیگر دولت فقط در شرایط خاص مجاز به قیمت‌گذاری می‌باشد و این امر در نظام اقتصادی اسلام پیش‌بینی شده است.

۰ در شرایط عادی و طبیعی، تعیین قیمت کالا در اقتصاد اسلامی بر عهده بازار است و فقط در صورت بروز شرایط غیرطبیعی (انحصار و احتكار) حاکم اسلامی حق مداخله و قیمت‌گذاری کالا (پس از انجام مشورت‌ها و بررسی‌های لازم) را دارد.

در احادیث اسلامی آمده است که به رسول خدا عرض شد: کاش برای ما نرخ کالاها را تعیین می‌فرمودید، زیرا نرخ‌ها در نوسان است و بالا و پایین می‌رود. رسول خدا فرمودند: من آن کس نیستم که خدای را ملاقات کنم یا چیز نوظهوری که در باره آن سخنی با من نفرمودداند.

از سوی دیگر صدوق از ابی حمزه شمالي نقل می‌کند خدمت علی بن حسین (ع) سخنی از گرانی نرخ به میان آمد. آن حضرت فرمودند: گرانی آن بر عهده من نیست. اگر گران شود بر عهده او است (که ظاهر منظور از "او" حاکم وقت است).

